

offer
consider
provide
send
give
tell
name

۱. اگر در گزینه‌ها فعل الکی وجود داشته آن‌ها را ... حذف می‌کنیم.

۲. در صورت وجود هم‌زمان معلوم و مجهول در گزینه‌ها، به یکی از دو روش زیر تعیین می‌کنیم که فعل معلوم نیاز است یا مجهول.

روش اول: رابطه فعل مربوطه و صاحبش را تعیین می‌کنیم. اگر **کنندگان** (توسط) بود فعل معلوم نیاز است و اگر **شوندگی** (روی) بود مجهول.

روش دوم: اگر فعل لازم بود حتماً معلوم است. اگر متعدی بود و بعدش مفعول حتماً معلوم است. اگر متعدی

و بعدش مفعول نبود حتماً مجهول است.

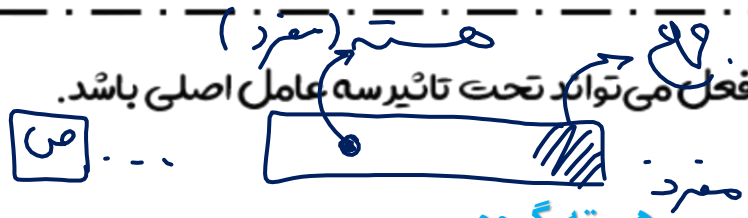
(جای حذف فعل)

to be + pp

در فعل مجهول

حالا اینجا
هیچ‌کس

اگر در گزینه‌ها به موضوع مفرد-جمع ... برخورد کردیم، باید دقت کنیم که این ویژگی فعل می‌تواند تحت تأثیر سه عامل اصلی باشد.

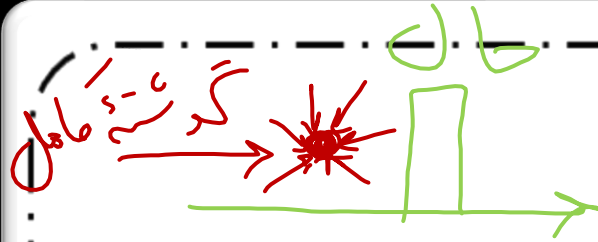


عامل اول: اگر صاحب فعل به جای یک کلمه، به شکل گروه اسمی بود، باید هسته گروه را تعیین کنیم.

عامل دوم: قواعد جمع بستن و حفظ بودن آن برای تعیین شخص بسیار ضروری است.

عامل سوم: مفاهیم قابل و غیر قابل شمارش و دانستن آن برای تعیین شخص فعل نیاز است.

گذشته کامل



گذشته کامل گذشته‌ای قبل یک گذشته است و این ویژگی فعل عموماً می‌تواند به سه شکل بیان شود.

شکل اول: به کمک زمان گذشته ساده... یک موقعیتی را در گذشته تعیین می‌کنیم و در جمله دیگر بیان می‌کنیم که فعل دیگری قبل آن انجام شده.

شکل دوم: با زمان گذشته (ساده) فعل اصلی جمله را بیان می‌کنیم و **مفعول** جمله را که به شکل جمله است با گذشته کامل بیان می‌کنیم.

شکل سوم: با نشانه‌های مشترک با **حال کامل** ... به کار می‌رود با این فرق که گذشته کامل هرگز تا زمان حال ادامه پیدا نمی‌کند.

حالت شرطی

جملات شرطی حالات متعددی دارند که دو مورد آن عبارتند از:

نوع اول: مربوط به یک شرایط واقعی برای حال و آینده است. جمله شرط در آن **حال ساده، کامل، استمراری** و جواب شرط **حال (ساده)، امر، نهی** اکثر مدال‌ها

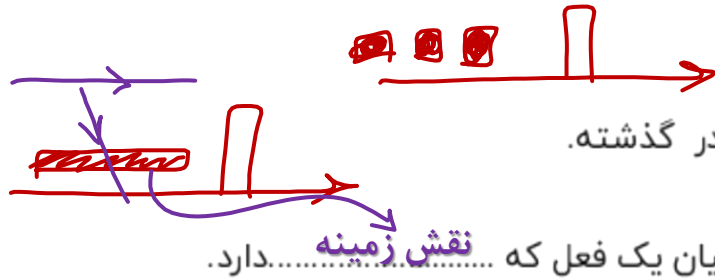
نوع دوم: عموماً مربوط به یک شرایط خیالی برای حال است. جمله شرط در آن **گذشته ساده (استمراری)** و جواب شرط **would, could, might**

was ~ were

if

گذشته ساده و استمراری

این دو زمان در بعضی مواقع با هم اشتباه می‌شوند. اما باید توجه داشته‌که:



گذشته ساده: ۱. برای بیان **کل عمل** در گذشته مشخص. ۲. برای بیان **یک عادت** در گذشته.

گذشته استمراری: ۱. برای بیان **بخشی از فعل** در لحظه‌ای مشخص از گذشته. ۲. برای بیان یک فعل که **نقش زمینه** دارد.

۳. برای تاکید **بیشغال / مشغول بودن** نهاد در زمانی در گذشته. ۴. افعال **وضعیتی**... عموماً استمراری نمی‌شوند.

حال کامل

حال



مهم‌ترین ویژگی حال کامل این است که **فعل (یا اثرش) تا زمان حال آمده باشد** که بعضی از نشانه‌هایش عبارتند از:

۱. جمله گذشته + **since**

۲. اسم زمان + **since**

۳. طول زمان + **for**

۴. **recently, lately**

۵. **yet, still**

۶. طول زمان + **for/in/during/over** + the last/past

باید دقت داشته‌که بعضی از این نشانه‌ها ممکن است با سایر زمان‌ها (خصوصاً **گذشته کامل**...) مشترک باشد.

بیان آینده (بخش اول)

بیان آینده روش‌های متعددی دارد که چهار مورد آن عبارتند از:

۴. حال استمراری

۳. حال ساده

۲. to be going to

۱. will

باید دقت داشته‌که در بسیاری از موارد پیش از یک مورد از زمان‌های فوق درسته است! این کاربردها در جدول شماره ۵ آمده است.

کاربرد و شرایط	will	to be going to	حال ساده	حال استمراری
۱- امر و نهی شدید (نزدیک به توهین)		✓		
۲- خواهش و تقاضا برای انجام کاری در آینده	✓			
۳- پیش‌بینی بر اساس نظر شخصی	✓			
۴- پیش‌بینی بر اساس شواهد و مدارک		✓		
۵- تصمیم‌گیری در لحظه صحبت برای کاری در آینده	✓			
۶- تصمیم‌گیری قبلی از لحظه صحبت برای کاری		✓		
۷- قول / امید برای آینده	✓			
۸- حقایق و قوانین ثابت هستی و بشری	✓		✓✓	
۹- بیان جدول زمانی رسمی برای آینده	✓	✓	✓✓✓	
۱۰- در جمله جواب شرط (شرطی اول)	✓		✓	
۱۱- بعد از حروف ربط برای بیان آینده when, after, till, until, once, if...			✓	
۱۲- اشغال بودن در آینده نزدیک (با یک عمل قطعی)				✓
۱۳- تاکید بر تدریج یک روند که تا آینده ادامه می‌یابد.				✓

بیان آینده (بخش دوم)

بیان آینده را می‌توان با افعال کمکی مدال نیز انجام داد که علاوه بر خود عمل، مفاهیمی مثل **توانایی، امکان، احتمال، اجازه** به فعل اضافه می‌شود.

will, would, must, should, can, could, may, might, ought to, need...

در بسیاری از موارد بیش از یک مدال می‌تواند کاربرد مورد نظر را برساند و تفاوت در جزئیات است! کل این کاربردها در جدول شماره ۶ آمده است.

کاربرد	فعل کمکی
پیش بینی و احتمال انجام کار یا وقوع حالتی	must, should, could, may, might <i>بیش بینی</i>
پیش بینی و احتمال عدم انجام کار یا وقوع حالتی	can, could, may, might (not) <i>نشد</i>
اجازه گرفتن	Can, Could, May, Might.....? <i>ع ۱۷۱</i>
درخواست کردن	Would, Will, Can, Could.....?
اجازه دادن به کاری	may, can <i>عمادی</i>
توصیه و لزوم به انجام کاری	should, must <i>احبار</i>
ممنوع کردن و برحذر داشتن از کاری	may, must, can, should (not)
توانایی به انجام کاری یا داشتن حالتی	can, could <i>حالت</i>
عدم توانایی به انجام کاری یا داشتن حالتی	can, could (not) <i>ندیده</i>
پیشنهاد به انجام کاری (گزینه دادن)	could
توانایی مجاز و خیال	could

ضمایر موصولی معنی ((که)) دارند و پرسر یک جمله وابسته می‌نشینند که در مورد اسم قبل تر از خود توضیح می‌دهد. ساختارهای اصلی:

The boy who plays football

فعل *who/that* آکم فاعل

the boy who(m) you saw

فعل فاعل *who/whom/that* آکم مفعول

فعل (فاعل) *which/that* غیر آکم (فاعل یا مفعول)

دقت داشته باشید که در جمله وصفی نباید ضمیری بیاید که به اسم مورد وصف برگردد.

اگر قبل از ضمیر موصولی حرف اضافه قرار گیرد، (در حد کنگور عمومی) ضمیر موصولی یکی از دو ساختار زیر خواهد بود:

whom حرف اضافه + آکم

which حرف اضافه + غیر آکم

گاه ممکن است ساختار جمله وصفی از ما پرسیده شود. در این حالت باید حواسمان به مشخصات فعل جمله وصفی باشد.

گاه تست پا را فراتر گذاشته و از ما می‌پرسد که جا خالی محل فعل جمله وصفی است یا فعل جمله اصلی.

در نقش نهاد

در این حالت فعل نما به شکل V.ing / to V. در ابتدای جمله می‌نشیند و فعل برایش به شکل مقرر می‌آید.

کمی تر حیرت
معراج تر

در نقش مفعول بعضی افعال

در این حالت فعل نما بعد از فعل مربوطه می‌آید و با توجه به آن فعل، به سه شکل V.ing / to V. / V. ظاهر می‌شود.

اینکه شکل فعل نما در حالت مفعولی چگونه است به فعل قبلی بستگی دارد! افعال و شکل مفعولشان در جدول شماره ۷... آمده است.

افعالی که مفعولشان به شکل ویندار می آید:

like love enjoy dislike hate mind prevent deny avoid

finish end stop keep go on continue miss risk spend imagine

practice mention involve consider

افعال حسی

افعالی که مفعولشان به شکل مصدر بدون to می آید:

let

help

make

افعال حسی

افعالی که مفعولشان به شکل مصدر با to می آید:

help	ask	want	allow	permit	tell	order	advise	expect
force	cause	invite	warn	remind	begin	try	hope	prefer
		agree	decide	plan	wish	promise		
forget	love	hate	like	stop	encourage	would like		

در نقش نهاد

در این حالت فعل نما به شکل **V.ing / to V.** در ابتدای جمله می‌نشینند و فعل برایش به شکل مقرر می‌آید.

در نقش مفعول بعضی افعال

در این حالت فعل نما بعد از فعل مربوطه می‌آید و با توجه به آن فعل، به سه شکل **V.ing / to V. / V.** ظاهر می‌شود.

اینکه شکل فعل نما در حالت مفعولی چگونه است به فعل قبلی بستگی دارد! افعال و شکل مفعولشان در جدول شماره ... آمده است.

در نقش مفعول حرف اضافه

در این حالت فعل نما به شکل **V.ing** بعد از حرف اضافه مربوطه می‌آید.

look forward **to** V.ing

in addition to
in comparison to
devote
dedicate
to be used to
get

حروف اضافه عادی: in, at, by, for, with, without, about, of...

حروف اضافه خاص: except, through, including, like, during, despite, considering, regarding, to

Handwritten notes: (1. 5) + V.ing

بعد از صفت

مصدر با **to** + (مفعول) **for** + (صفت) **adj.** + **L.V.**

اگر یک صفت به فعلی مربوط شود، عموماً ساختار مقابل را داریم.

بیان هدف

گاه ممکن است **to** بر سر یک فعل ساده بنشیند و بیان هدف کند. در این حالت معنی برای اینکه می‌دهد.

نقش حروف ربط اتصال دو جمله به یکدیگر است. یکی از انواع حروف ربط، هم پایه سازها هستند که چهار مورد آن عبارتند از:

but
so

نیجی تری بود
and
or
but
so

ممکن است اجزای مشترک از جمله دوم حذف شوند (به جز so)
دو جمله طرفین حرف ربط عموماً ساختار یکسان دارند.
تعداد اتصالات
انتخاب اندر

آنها فعل و کلمات

دم سوالی همان مگه نه فارسی است و از سه جزء ساخته شده: ۱. شناسه ۲. فعل کمکی ۳. not

not

شناسه بر اساس نهاد جمله انتخاب می شود و می تواند I, you, he, she, it, we, they, there باشد.

۱۱
واسته ملاک است

۱۹۹

فعل کمکی را با توجه به فعل اصلی جمله انتخاب می کنیم.

مثبت منفی بودن دم عموماً برعکس فعل جمله است.

در جملات مرکب (وابسته) عموماً جمله هسته (که حرف ربط ندارد) ملاک است. مگر اینکه جمله هسته حس و نظر I یا we را بگوید.

گروه‌های غیرقابل شمارش

مایعات، گازها، مواد خام، اکثر خوراکی‌ها

هر آنچه از اجزای مشابه بی‌شمار ساخته شده باشد

اسم علم‌ها، هنرها، زبان‌ها، احساس‌ها، فعالیت‌ها (V.ing/toV.)

information, news, knowledge, science, chess, advice, music, rubbish, attention, luck

homework, education, energy, traffic, damage, furniture, health, money, bread

baggage, luggage, weather, food, vocabulary, travel, poetry, progress, permission

قابل شمارش‌های خاص

IQ, headache, shock, fool, walk, climate, job, meal, journey, word, poem, advance, permit

اسم	glass	room	coffee	cold	paper	work	tea	help
قابل شمارش	لیوان	اتاق	قهوه (نوشیدنی)	سرما خوردگی	روزنامه مقاله	اثر ادبی- هنری	چای (نوشیدنی) مهمانی عصرانه	کمک (یاری)
غیرقابل شمارش	شیشه	فضای خالی	قهوه (نوشیدنی) قهوه (خشک)	سرما	کاغذ	کار محل کار	چای (نوشیدنی) چای (خشک)	کمک (یاری)

اسم	iron	sugar	light	hair	chicken	experience	life	time
قابل شمارش	اتو	قند (حبه)	لامپ	تار مو	جوجه (زنده)	تجربه (خاص)	زندگی (خاص)	دقیقه-بار زمان (با صفت)
غیرقابل شمارش	آهن	شکر	نور	مو	مرغ (گوشت)	تجربه (عام)	زندگی (عام)	زمان (بدون صفت)

واحد	of	معنی و مفهوم	بعضی از موارد کاربرد
bottle/bottles		بطری	water, milk, juice, vinegar
cup/cups		فنجان / 237ml	water, milk, juice, coffee, sugar, flour
glass/glasses		لیوان	water, milk, juice, soda
bag/bags		کیسه	salt, sugar, flour, rice
piece/pieces		تکه - بخش - قطعه	advice, information, music, furniture, cloth, news, cake
slice/slices		تکه - قاچ	beef, cheese, bread, pizza
kilo/kilos		کیلو	meat, rice, sugar, gold
loaf/loaves		قرص (نان)	bread, pizza
pinch		نوک قاشق	salt, sugar
bar/bars		قالب - شمش	chocolate, iron, soap, gold
block/blocks		قالب	ice, cheese, sugar, iron
cube/cubes		حبه	ice, cheese, sugar
jar/jars		ظرف	jam, honey, pickle
box/boxes		جعبه	chocolate, matches, soap
packet/packets		پاکت	biscuit, flour, sugar

در مورد اسم، موارد زیر باید مد نظر قرار گیرد:

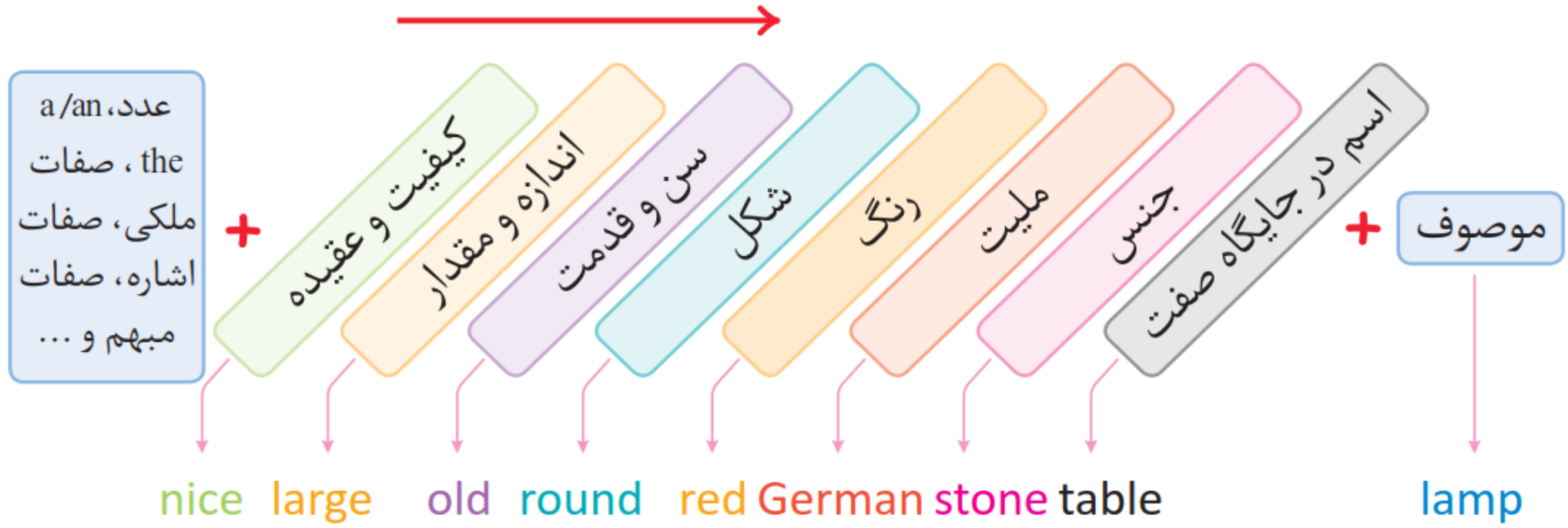
حفظ بودن یکسری اسامی قابل و غیرقابل شمارش ضروری که در جدول شماره.....**۱۱**.....آمده است.

حفظ بودن یکسری واحدهای شمارش ضروری که در جدول شماره.....**۱۴**.....آمده است.

حفظ بودن قواعد یکسری شمارنده‌های نامعین ضروری که در جدول شماره.....**۱۲**.....آمده است.

شمارنده	معنی	با اسم غ ق ش	با اسم مفرد	با اسم جمع	در جمله مثبت	در جمله منفی	در جمله سوالی	به عنوان قید	توضیحات
some	تعدادی / مقداری / یک	✓	✓	✓	✓	✗	✓	✗	فقط در سوالات تعارفی
any	هر / هیچ	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✗	
no	هیچ	✓	✓	✓	✓	✗	✓	✗	
many	تعداد زیاد	✗	✗	✓	✓	✓	✓	✗	
much	مقدار زیاد / زیاد	✓	✗	✗	✓	✓	✓	✓	در جمله مثبت رایج نیست.
a lot of	تعداد / مقدار زیاد	✓	✗	✓	✓	✗	✓	✗	در جمله منفی رایج نیست.
lots of	تعداد / مقدار زیاد	✓	✗	✓	✓	✗	✓	✗	در جمله منفی رایج نیست.
few	تعداد کم (ناکافی)	✗	✗	✓	✓	✗	✓	✗	
a few	تعداد کم (کافی)	✗	✗	✓	✓	✓	✓	✗	
little	مقدار کم (ناکافی)	✓	✗	✗	✓	✗	✓	✗	little می تواند صفت هم باشد.
a little	مقدار کم (کافی)	✓	✗	✗	✓	✓	✓	✓	little می تواند صفت هم باشد.

چینش مناسب در ترتیب صفات:



nice large old round red German stone table lamp

interest:

bore:

concern:

embarrass:

shock:

worry:

puzzle:

excite:

surprise:

mix up:

amuse:

confuse:

frighten:

entertain:

disappoint:

amaze:

cool:

tire:

افعالی که صفت فاعلی و صفت مفعولی پرکاربرد دارند

فعل	صفت فاعلی (v+ing)	صفت مفعولی (v+ed)	حرف اضافه معمول
amaze : به حیرت آوردن	amazing : حیرت‌انگیز	amazed : حیرت‌زده	at / by
bore : خسته کردن	boring : خسته‌کننده	bored : خسته	with
amuse : سرگرم کردن	amusing : سرگرم‌کننده	amused : سرگرم	at / by
interest : علاقه‌مند کردن	interesting : جالب	interested : علاقه‌مند	in
excite : تهییج کردن	exciting : هیجان‌انگیز	excited : هیجان‌زده	about
shock : شوکه کردن	shocking : شوکه‌کننده	shocked : شوکه	at

افعالی که صفت فاعلی و صفت مفعولی پرکاربرد دارند

فعل	صفت فاعلی (v+ing)	صفت مفعولی (v+ed)	حرف اضافه معمول
confuse : گیج کردن	confusing : گیج کننده	confused : گیج / سردرگم	about
surprise : غافلگیر کردن	surprising : شگفت آور	surprised : شگفت زده / غافلگیر	at
tire : خسته کردن	tiring : خسته کننده	tired : خسته	of
frighten : ترساندن	frightening : ترسناک	frightened : ترسان	of / to
disappoint : ناامید کردن	disappointing : ناامید کننده	disappointed : ناامید	with
satisfy : راضی کردن	satisfying : راضی کننده	satisfied : راضی / خشنود	with
depress : غمگین کردن	depressing : غمگین کننده	depressed : غمگین	about

افعال ربطی

get, grow, become, go, turn(out)

شدن

to be

بودن

به نظر رسیدن

look, seem, sound, appear

smell

بو دادن

taste

مزه دادن

stay, keep, remain

ماندن

feel

احساس داشتن

قیود بی قاعده

صفت

good

fast

hard

late

straight

daily

early

high

friendly

قید

well

fast

hard

late

straight

daily

early

high

hardly

lately

highly

in a manner/way

در مورد صفت و قید، باید توجه داشت که نکات زیادی ممکن است در تست مطرح شود:

اگر ترتیب صفات پرسیده شد، کلید **گا س ش ر م ج** است. البته اگر شمارنده و صفت اشاره داشتیم باید قبل از اولین صفت بنشیند.

صفات **فاعلی** برای ایجاد **کننده** حالت و صفات **مفعولی** برای **پذیرنده** حالت به کار می‌رود. این صفات از افعال جدول شماره **۸**... ساخته می‌شود

اینکه جاخالی محل قید است یا صفت، بستگی به شرایط اطراف جاخالی دارد. برای این موضوع، جداول شماره **۹ و ۱۰**... ضروری است.

برابری صفت با **as...as** حالت تفضیلی با **more / -er** و حالت عالی با **most / -est** بیان می‌شود. و البته بی‌قاعده‌ها در جدول **۱۰**... آمده.

صفت	good	fast	hard	late	straight	daily	early	high	friendly
قید	well	fast	hardly	late lately	straight	daily	early	high highly	in a manner/way

سادہ	good	bad	many / much	far(دور/زیاد)	little(کوچک)	little(کم)
تفضیلی	better	worse	more	farther / further	smaller	less
عالی	best	worst	most	farthest / furthest	smallest	least

صفات بی تفاوت

clever, common, cruel, gentle, narrow, pleasant, polite, quiet, simple, stupid

صفات و قیود تفضیلی (عالی) مشترک

better, best, more, most, faster, fastest, higher, highest, harder, hardest

تا کنکور چه کنیم

امروز: حتماً جزوه را ورق بزنید و با خود مرور کنید.

فردا تا کنکور: لیست‌های لغات را مرور و تست‌های لغت را حل و بررسی کنید.

هر پایانی....

نوید بخش آغازی دیگر است

به امید سرسبزترین آغازها....

to (به سمت)

to (the) left

in front of (روبه روی)

in front of the shop

by/beside/next to
(جنب، مجاور، کنار)

beside our house
next to your office, by the table

فرق in و at در مورد مکان ها

His mother is **in** (the) hospital. ▶ (یعنی آنجا حضور دارد.)

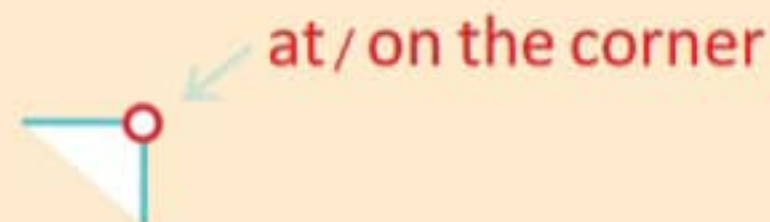
His mother is **at** hospital. ▶ (یعنی آنجا شاغل است.)

We were **at** sea for 30 days. ▶ (یعنی یک سفر روی دریا داشتیم.)

I love swimming **in** the sea. ▶ (یعنی در داخل آب دریا)

We were **at** the cinema. ▶ (یعنی فیلم می دیدیم.)

It was cold **in** the cinema. ▶ (یعنی داخل ساختمان سینما)



at the corner of T junction ▶ نبش سه راهی

in the corner of the room ▶ در گوشه اتاق